

بررسی قتل‌های زنجیره‌ای ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی از منظر روانشناسی جنایی

ریحانه غیوری^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶

کدمقاله: JHVMN-۲۵۰۴-۱۲۸۹

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی حادثه قتل‌های زنجیره‌ای با رویکرد روانشناسی جنایی در ایران است که با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به ابعاد این موضوع بپردازد. از آنجا که جرم شناسی علمی نمی‌تواند به مسائل اجتماعی و فردی ناشی از عملکرد نظام کیفری بی توجه باشد، لذا به جرم شناسی به این سمت گرایش یافت که طرز کار نظام کیفری، فردی کردن مطلوب واکنش اجتماعی علیه جرم را به اجراء گذارد و بدین منظور برای شناخت عوامل موثر در قتل‌های زنجیره‌ای به جرم شناسی بالینی متوسل می‌شویم. از آنجا که قاتلان سریالی اغلب از بیماری‌های روانی از نوع نوروژ روان رنجوری) و به طور عمده از دسته اختلالات شخصیتی (مانند خود شیفتگی و ضد اجتماعی) و اختلالات جنسی (مانند دگر آزاری و آدم خواری) رنج می‌برند، از جمله بیماران روانی هستند که نمی‌توانند از جنون به عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری یا معافیت از مجازات استفاده کنند. به عبارت دیگر آنها مسئولیت تام داشته و به لحاظ روانشناختی و حقوقی مسئول اعمال خود هستند. لذا؛ در تاریخ حقوق کیفری ایران تا کنون هیچ یک از قاتلان سریالی محاکمه شده، نتوانسته‌اند با استناد به وضعیت روانی خود از مسئولیت رهایی یابند یا از کیفر خفیف‌تر بهره‌مند شوند؛ همین رویه تقریباً در سایر کشورها نیز جاری بوده است.

واژگان کلیدی: قتل‌های زنجیره‌ای، رویکرد جامعه شناسی، روانشناسی جنایی، جرم شناسی بالینی، فردی کردن مجازات.

^۱ کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ssshayan1394@gmail.com



مقدمه

قتل زنجیره‌ای، یکی از معضلات حاد اجتماعی است که برای مدتی ولو کوتاه، موجبات سلب و کاهش امنیت ذهنی و روانی جامعه را فراهم می‌آورد. بطوری که هر یک از افراد جامعه ممکن است خود را بزه دیده بالقوه (احتمالی) این گونه قتل‌ها به شمار آورد. در مقابل، شناخت جامع‌تر این پدیده می‌تواند بستر را برای پیشگیری از وقوع آن و نیز مقابله با مرتکبین آن و علاوه بر این، حمایت بیشتر از بزه دیدگان آن مساعد سازد. ضرورت دیگری که در مورد قتل‌های زنجیره‌ای مطرح است، دامنه تأثیر منفی آن‌ها بر ساختار اجتماع و روابط و تعاملات میان افراد است. از آنجا که امنیت به ویژه در بعد ذهنی و روانی آن، مهم‌ترین مولفه لازم برای توسعه و رشد اجتماعی همه جانبه است، ترس و هراس فزاینده از پدیده‌های هولناکی چون قتل‌های زنجیره‌ای، مانعی بر سر راه استقرار توسعه و رشد همه جانبه اجتماع محسوب می‌گردد. بدین ترتیب، مطالعه و مذاقه بیشتر در مورد پدیده‌های هراس‌انگیز نظیر پدیده قتل‌های زنجیره‌ای، ضروری است.^۱

قاتلان زنجیره‌ای برای دهه‌ها جامعه را مجذوب و وحشت زده کرده‌اند. مطالعه روان‌شناختی قاتلان زنجیره‌ای بینش‌هایی را در مورد شبکه پیچیده عواملی ارائه می‌دهد که در رفتار ناهنجار آنها نقش دارند. هدف این مقاله بازگشایی ذهن این جنایتکاران بدنام، بررسی مشخصات روانشناختی، انگیزه‌ها و الگوهای رفتاری آنهاست. قاتلان زنجیره‌ای با ویژگی‌های روان‌پریشی تمایل به نشان دادن بی‌رحمی، عدم پشیمانی و توانایی فریب دیگران را دارند. روان‌پریشی و اختلال شخصیت ضداجتماعی هر دو به فقدان پشیمانی یا احساس گناه کمک می‌کنند که می‌تواند ارتکاب قتل‌های زنجیره‌ای را تسهیل کند.^۲

بسیاری از قاتلان زنجیره‌ای تجربیات نامطلوب دوران کودکی خود را تجربه کرده‌اند، مانند سوء استفاده، بی‌توجهی، یا شاهد خشونت. این آسیب‌های اولیه می‌تواند به توسعه آسیب‌شناسی روانی کمک کند و جهان بینی تحریف شده و جدایی اجتماعی را که توسط قاتلان زنجیره‌ای به نمایش گذاشته شده است، شکل دهد. قدرت و کنترل اغلب اعمال آنها را هدایت می‌کند، زیرا قاتلان زنجیره‌ای از اعمال قدرت بر قربانیان خود احساس تسلط و برتری می‌گیرند. برخی از قاتلان نیز

^۱. نیکوکار، حمیدرضا و بهاره همت پور، ترس از جرم، نشر میزان، ج اول، ۱۳۹۱، ص ۲۷.

^۲. Knight ZG. Sexually motivated serial killers and the psychology of aggression and "evil" within a contemporary psychoanalytical perspective. J Sex Aggress. ۲۰۰۷; ۱۳(۱): ۲۱-۳۵



ممکن است با ارضای جنسی انگیزه داشته باشند، با فانتزی‌های جنسی و علایق انحرافی که با اعمال خشونت آمیز آنها در هم تنیده شده است.^۱

فانتزی‌ها نقش بسزایی در زندگی قاتلان زنجیره‌ای دارند. این خیال پردازی‌ها خروجی‌ای برای خواسته‌های درونی آنها فراهم می‌کند و می‌توانند در طول زمان شدت خود را افزایش دهند. قاتلان سریالی اغلب درگیر فرآیند «تقویت فانتزی» می‌شوند، جایی که افکار خشونت‌آمیز آن‌ها پیچیده‌تر و مصرف‌کننده‌تر می‌شود، و در نهایت منجر به واقعی شدن خیال‌هایشان از طریق قتل می‌شود.^۲

قاتلان زنجیره‌ای معمولاً الگوهایی را در انتخاب قربانی و تشدید خود نشان می‌دهند. این الگوها می‌توانند بینش‌های مهمی را در مورد ساختار روانی آنها ارائه دهند. قاتلان زنجیره‌ای اغلب قربانیانی را انتخاب می‌کنند که با معیارها یا ویژگی‌های خاصی مانند ظاهر فیزیکی، سن، جنسیت یا شغل مطابقت دارند. این معیارها ممکن است با خیالات قاتل، تجارب گذشته یا نیازهای روانشناختی زمینه‌ای مرتبط باشند^۳ با گذشت زمان، قاتلان زنجیره‌ای ممکن است رفتار خود را تشدید کنند و به دنبال افزایش هیجان و رضایت از جنایات خود باشند. این تشدید می‌تواند به طرق مختلفی از جمله افزایش خشونت، تکرار قتل، یا تغییر در نوع قربانیان انتخاب شده ظاهر شود. عوامل روان‌شناختی که این تشدید را تحریک می‌کنند می‌توانند با نیاز به کنترل بیشتر، تمایل به چالش با اجرای قانون یا نیاز شخصی به شناخت و بدنامی مرتبط باشند.^۴

روانشناسی قاتلان زنجیره‌ای بینش‌های ارزشمندی را در مورد انگیزه‌ها، رفتار و الگوهای انتخاب و تشدید قربانی ارائه می‌دهد. با مطالعه و درک نمایه‌های روان‌شناختی مرتبط با قاتلان زنجیره‌ای، می‌توانیم تکنیک‌های پروفایل جنایی را تقویت کنیم، استراتژی‌های پیشگیری را توسعه دهیم و به شناسایی و دستگیری این افراد خطرناک کمک کنیم. کاوش مداوم روانشناسی قاتلان زنجیره‌ای به درک جمعی ما از رفتار ناهنجار انسانی کمک می‌کند و به عنوان پایه‌ای برای تلاش برای پیشگیری و رسیدگی به چنین اعمال خشونت آمیز در جامعه ما عمل می‌کند.

^۱. Dogra TD, Leenaars AA, Chadha RK, et al. A psychological profile of a serial killer: a case report. Omega: J Death Dying. ۲۰۱۲; ۶۵(۴): ۲۹۹-۳۱۶

^۲. García-Baamonde ME, Blázquez-Alonso M, Moreno-Manso JM, et al. Youth serial killers: psychological and criminological profiles. Int. J. Environ. Res. Public Health. ۲۰۲۲; ۱۹(۹): ۵۳۵۹

^۳. Buss CW. Sources: Great Lives from History: Notorious Lives. RUSQ. ۲۰۱۱; ۴۷(۱): ۸۵-۶

^۴. Fuh D. Chihuahua Promises and the Notorious Economy of Fake Pets in Cameroon. J. Afr. Cult. Stud. ۲۰۲۱; ۳۳(۳): ۳۸۷-۴۰۳



با توجه به این مقدمات، این تحقیق با تکیه بر رویکرد روانشناسی جنایی، به دنبال بررسی قتل‌های زنجیره‌ای ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی از منظر روانشناسی جنایی می‌باشد.

۱- تعاریف قتل زنجیره‌ای و قاتل زنجیره‌ای

اگرچه تعاریف قتل و قاتل روشن است، اما در هنگام تبیین تعاریف قتل زنجیره‌ای و قاتل زنجیره‌ای، تعاریف متفاوتی بین نویسندگان و محققان پدیدار می‌شود. در یک تعریف کلی، قتل زنجیره‌ای به معنای دو یا چند قتل در مکان‌ها و فواصل زمانی مختلف است. این فاصله زمانی از ساعت به سال تغییر می‌کند^۱. تعریف FBI سه یا چند مورد در زمان‌های مختلف و مکان‌های مختلف از یکدیگر در طبقه‌بندی قتل زنجیره‌ای قرار می‌گیرد. به طور کلی، در تعریف رایج این است که دو یا چند قتل در زمان‌ها و مکان‌های مختلف اتفاق می‌افتد، قتل زنجیره‌ای است. افرادی که بیش از یک نفر را به دلیل خاصی و در فواصل زمانی معین می‌کشند، قاتل زنجیره‌ای نامیده می‌شوند.

بیش از یک قرن است که قتل‌ها و قاتلان بسیاری از مردم را کشتند، در کتاب‌های مختلف ذکر شده است. با این حال، نزدیکترین تعریف به تعریف امروزی توسط کورمیر در سال ۱۹۷۲ به عنوان کشتارهای متعدد^۲ ارائه شده است. پس از آن، تعریف ریزلر در کتاب "قتل جنسی: الگوها و انگیزه‌ها"^۳ و تعریف توسط برگس در کتاب "قتل‌های زنجیره‌ای"^۴ آمد. هولمز و دی برگر ذکر می‌کنند که قربانیان و مهاجمان با یکدیگر غریبه هستند یا با هم آشنا نیستند و برای مهاجمان برخی نشانه‌های نسبی انگیزه قتل را فراهم می‌کنند^۵. کینی و هاید^۶ در سال ۱۹۹۵، هیکی^۷ در سال ۱۹۹۷، تعاریفی را ارائه کردند که شبیه یکدیگر هستند. به گفته آن نویسندگان، حداقل سه زمان و مکان مختلف

۱. Pinto S, Wilson PR. Serial murder. Trends and Issues in Crime and Criminal Justice. ۱۹۹۰;۲۵:۱-

۸. DOI: ۱۰/۳۳۱۶/agispt.۱۹۹۰۲۵۷۸

۲. Cormier B, Angliker C, Boyer R, et al. The psychodynamics of homicide committed in a semispecific relationship. Canadian Journal of Criminology and Corrections. ۱۹۷۲;۱۴:۳۳۵-۳۴۴

۳. Ressler RK, Burgess AW, Douglas JE. Sexual Homicide: Patterns & Motives. Lexington, MA: Lexington Books; ۱۹۸۸. p. ۲۳۴

۴. Holmes RM, DeBurger JE. Serial Murder. Newbury Park, CA: Sage; ۱۹۸۸. p. ۱۶۴

۵. Keeney B, Heide K. Serial murder: A more accurate and inclusive definition. International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology. ۱۹۹۵;۳۹:۲۹۹-۳۰۶

۶. Heide K. Serial murder: A more accurate and inclusive definition. International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology. ۱۹۹۵;۳۹:۲۹۹-۳۰۶

۷. Hickey E. Serial Murders and Their Victims. ۲nd ed. Belmont: Wadsworth Publishing Company; ۱۹۹۷. p. ۲۹۹



وجود دارد. مرکز ملی تجزیه و تحلیل جرایم خشونت آمیز^۱ قتل‌های زنجیره‌ای را به دو دسته تقسیم می‌کند. اولی پیچیده است، دومی کلاسیک است. با وجود قتل‌های زنجیره‌ای پیچیده، تفاوت‌های جغرافیایی وجود دارد. دوره آرام معمولاً بسیار کم است. علت اصلی این قتل‌ها انگیزه‌های پولی و هیجانی است. علاوه بر تفاوت‌های جغرافیایی و دوره آرام، انگیزه‌های جنسی - سادیستی که باعث قتل در قتل‌های زنجیره‌ای کلاسیک می‌شود و ردپایی از آنها در صحنه جرم یافت می‌شود. طبقه بندی انجام شده توسط ریزلر و همکاران (۱۹۸۸). بر اساس بررسی شواهد در صحنه جرم است. آنها قتل‌های زنجیره‌ای را با توجه به وضعیت صحنه جرم و شواهدی که در آنجا یافت می‌شود به عنوان قتل‌های سازمان یافته و بی‌سازمان طبقه بندی کردند. در قتل‌های زنجیره‌ای سازمان یافته، وقتی صحنه جنایت بررسی می‌شود، می‌توان شاهد برنامه‌ریزی استادانه، به تکرارهای همیشگی و هوشمندانه بودن این واقعه بود که در بی‌نظمی، شاهد رگه‌هایی از اتفاقات و آشفتگی‌های خودبه‌خودی در صحنه جنایت هستیم. این روش طبقه بندی امروزه به طور گسترده توسط نیروهای پلیس در سراسر جهان دنبال می‌شود. این که FBI مؤثرترین نهاد در آموزش تحقیقات صحنه جرم و تحقیقات قتل در سراسر جهان است و روش‌هایی که در این راستا استفاده می‌کند، می‌تواند دلیل رواج آن باشد^۲.

قتل‌های دسته جمعی که منجر به کشتار بیش از یک بار مردم می‌شود، وقوع آتش سوزی یا بمب گذاری، قتل‌های مافیایی توسط قاتلان حرفه‌ای در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، قتل‌هایی که توسط افراد فداکار سیاسی در سال‌های اخیر انجام می‌شود، قتل‌هایی با انگیزه‌های مذهبی، همچنین مصرف الکل، مواد مخدر. یا قتل‌هایی که شامل دو یا چند قربانی می‌شود و صحنه‌های جنایت متفاوت در نتیجه درگیری‌های خانوادگی مانند حسادت خارج از تعریف قتل زنجیره‌ای است^۳.

۲- رویکرد روانشناسی جنایی و روانپزشکی به قتل زنجیره‌ای

علم روانپزشکی در توضیح قتل‌های زنجیره‌ای به بیماری‌ها اشاره کرد. با این حال، پذیرفتن آنها به عنوان بیمار به جز علائم روان پریشی واقعی قاتلان سریالی رویایی و کسانی که رفتار سادیستی

^۱. The National Center for the Analysis of Violent Crime (NCAVC)

^۲. eberth VJ. Practical Homicide Investigation: Tactics, Procedures and Forensic Techniques. ۳rd ed. Boca Raton: CRC Press; ۱۹۹۶

^۳. Auxéméry Y. The mass murderer history: Modern classifications, sociodemographic and psychopathological characteristics, suicidal dimensions, and media contagion of mass murders. Comprehensive Psychiatry. ۲۰۱۵; ۵۶: ۱۴۹-۱۵۴



جنسی از خود نشان می‌دهند، بسیار سخت است. شاید بهتر باشد کسانی را که به جز این دو گروه خارج از رفتار عادی هستند، بپذیریم. اختلالات شخصیتی چندگانه: اگرچه انحلال شخصیت گاهی علائم اسکیزوفرنی را نشان می‌دهد و دو یا چند شخصیت در فرد ظاهر می‌شود، اما یکی از موضوعات مورد بحث در روانپزشکی است و توسط بسیاری به عنوان یک اختلال پذیرفته شده است، نه یک بیماری روانپزشکی، اما در طی قتل‌های زنجیره‌ای ظاهر می‌شود^۱. علائم مربوط به بیماری‌های عصبی و روان پریشی در قاتلان بیشتر از سایر مجرمان دیده می‌شود. افسردگی، اختلالات روانی، نوسانات خلقی با قتل‌های زنجیره‌ای همراه است. مشخص شده است که افراد مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی، رفتار پرخاشگرانه مفرط از خود نشان می‌دهند و برای نشان دادن کارآمدی خود، دست به قتل‌های زنجیره‌ای با عللی مانند هیجان و تعالی جنسی می‌زنند. رسلر و همکاران با مطالعات خود نشان دادند که ۸۱ درصد از مرتکب قتل‌های زنجیره‌ای به پورنوگرافی علاقه‌مند هستند. این نویسندگان، نکروفیلیا، سادیسم، نمایشگاه‌گرایی، ترنس وستیسیم، فضول‌گرایی، زوفیلیا (حیوان دوستی)، پدوفیلیا (دوست داشتن به کودک)، کوپروفیل (استفاده از مدفوع در حین رابطه جنسی) را از جمله انحرافات قاتلان زنجیره‌ای برشمرده‌اند. مشخص شده است که اختلال هویت جنسی، علائمی مانند همجنس‌گرایی و اختلال عملکرد جنسی، تمایل به ارتکاب قتل‌های زنجیره‌ای را افزایش می‌دهد. این نوع قاتل زنجیره‌ای در برقراری رابطه جنسی طبیعی در طول دوره‌های بحرانی تکامل خود مشکل دارند، مشکلات نعوظ علیه افراد زنده یا مورد آزار جنسی و/یا تجاوز جنسی در دوران کودکی قابل توجه است^۲. توسط بسیاری از نویسندگان پیشنهاد شده است که مصرف الکل، دارو و مواد مخدر تقریباً در نیمی از قاتلان زنجیره‌ای دیده می‌شود، خانواده آنها نیز اعتیاد به الکل و مواد مخدر دارند.

مدل‌های روان‌پزشکی با بیماری‌ها، مدل‌های روان‌شناسی بر اساس رفتارها تبیین می‌شوند. تئوری‌های روانشناختی برای توضیح قتل‌های زنجیره‌ای به سختی از نظریه‌های جامعه‌شناختی و روانپزشکی جدا می‌شوند و به ندرت ترجیح داده می‌شوند. هنگام تلاش برای تبیین این نظریه‌ها، معمولاً از مدل‌های رفتاری انسان و حیوان استفاده می‌شود. عمده‌ترین این نظریه‌ها، نظریه‌های روان‌پویشی است که با فعالیت‌های ذهنی سروکار دارند، فرضیه پرخاشگری، رویکردهای رشدی، رویکردهای تحلیل

^۱. Cummins I, Foley M, King M. Serial Killers and the Media. Palgrave Studies in Crime, Media and Culture. London: Palgrave Macmillan Cham; ۲۰۱۹. p. ۲۱۱

^۲. Miller L. Serial killers: II. Development, dynamics, and forensics. Aggression and Violent Behavior. ۲۰۱۴; ۱۹:۱۲-۲۲



شخصیت، رویکرد عادت، فرآیندهای رفتاری، رویکردهای شناختی، تحریف‌های مربوط به رشد روان‌شناختی و درک فرد را توضیح می‌دهند.^۱

در نوار مغزی^۲، برخی از زندانیان پرخاشگر، الگوها و کانون‌های متفاوتی نسبت به سایرین مشاهده شد. یکی از ناهنجاری‌های نوار مغزی، فعالیت بیش از حد تنا است. این ناهنجاری با تئوری برانگیختگی روان‌پریشی مطابقت دارد که نشان می‌دهد روان‌پریشان به دنبال تحریک بیش از حد از طریق رفتار ضد اجتماعی برای جبران سطوح پایین ساختاری مغز خود هستند.^۳

۳- چند نمونه از معروف ترین قاتلان زنجیره‌ای جهان

قاتلان گرفتار می‌شوند زیرا در برخی نقاط اشتباه می‌کنند. سخنان قاتل زنجیره‌ای تد باندی^۴ فوق العاده جالب است. "کشتن مانند تعویض چرخ ماشین است، باید جزئیات را یاد بگیرید". اولاً با احتیاط عمل می‌کنید، اما وقتی چرخ را برای سی بار عوض می‌کنید، توجه نمی‌کنید که آچار را کجا می‌گذارید یا مهره را به اندازه کافی سفت می‌کنید. این کلمات نحوه دستگیری آنها را توضیح می‌دهد. بیشترین توجه قاتل سریالی در ایالات متحده تد باندی است. او مسئول کشتن بیش از سی نفر بود. یکی از ویژگی‌های قابل توجه در انتخاب قربانیان این است که زنان جوان و زیبایی شبیه به زنی که باندی قبلاً با او بوده و می‌خواست با او ازدواج کند وجود دارد. او قربانیان خود را پس از تجاوز به عنف می‌کشد و آثار منحصر به فردی از خود در صحنه جنایت از خود به جای گذاشته است. کارآگاهانی که برای تحقیق در مورد قتلی که شبیه سبک تد باندی بود رفتند، هیچ ردی برای متهم کردن باندی در صحنه جرم نیافتند. پس از بررسی‌های دقیق، پلیس‌هایی که فکر می‌کردند اثر گاز گرفتن روی لگن جسد ممکن است متعلق به باندی باشد، برای قالب‌گیری دندان باندی حرکت کردند. با اینکه گفته می‌شود او به معاینه دندان طبیعی می‌رود، باندی متوجه این وضعیت شد و سعی کرد دندان هایش را بشکند، اما موفق نشد. علائم گزش و کپک دندان در مقایسه با یکدیگر یکسان هستند. این

^۱.Higgsa T, Carter AJ, Tully RJ, Browne KD. Sexual murder typologies: A systematic review. Aggression and Violent Behavior. ۲۰۱۷; ۳۰: ۱-۱۲

^۲.Electroencephalography (EEG)

^۳.Marissa A et al. Female serial killers in the United States: Means, motives, and makings. The Journal of Forensic Psychiatry & Psychology. ۲۰۱۰; ۲۶: ۳۸۳-۴۰۶

^۴.Ted Bundy



واقعیت نشان می‌دهد که چرا سوابق دندانپزشکی باید با دقت ثبت شوند و ادنتولوژی قانونی^۱ تا چه حد اهمیت دارد.

جان وین گیسسی^۲ (قاتل دلچک) دوست دارد کودکان را با لباس‌های دلچک سرگرم کند. او دوست دارد قربانیانش را ببندد، تجاوز به مقعدی بگیرد، برایشان ساندویچ بخرد، آیاتی از کتاب مقدس بخواند و قربانیانشان را خفه کند. در سال ۱۹۷۸ در شیکاگو توسط پلیس دستگیر شد. سی جسد دفن شده در زیرزمین خانه‌اش پیدا شد که همسرش مدام از بوی شدید شکایت می‌کرد. تا اینکه در سال ۱۹۹۴ در زندان با سوزن اعدام شد، لباس‌های رنگارنگ می‌پوشید و نقاشی‌های دلچک می‌کشید. بر اساس اخبار روزنامه شیکاگو تریبون در سال ۱۹۹۸، کارآگاهان بقایای انسانی را در خانه مادرش پیدا کردند.

جفری دامر^۳ در کودکی از شکنجه حیوانات کوچک و کشتن آنها لذت می‌برد. او ۱۷ نفر را کشت. او با افرادی که کشته بود رابطه جنسی داشت و از کاندوم استفاده می‌کرد. او می‌گوید که دوست ندارد با افراد زنده رابطه جنسی داشته باشد زیرا آنها او را در چند دقیقه ترک کردند. او قربانی خود را با تکه تکه شدن می‌خورد و چند تکه را با اسید می‌سوزاند. خاطر نشان می‌شود که هنگام دستگیری وی ۵۵ گالن اسید در اتاق خواب وی کشف شد. علاوه بر این، سرهای بریده شده در اتاق کوچکی از خانه او، هفت مجموعه و اسکلت توسط پلیس پیدا شد.

یکی دیگر از قاتل‌های زنجیره ای خونین، پدرو آلونسو لوپز^۴ کلمبیایی به نام And Monster است. حدس زده می‌شود که او بیش از ۳۰۰ نفر را کشته است. او توسط مادرش که یک فاحشه است از خانه بیرون رانده شد و مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. او در سن ۱۸ سالگی یکی از اعضای باندی را که سه مهاجم در مورد خودش شایعات می‌کردند، کشت. او در سال ۱۹۷۸ ۱۰۰ دختر جوان را در پرو کشت. با ناآرامی‌های مردم شهر، پرو را ترک کرد و به قتل در کلمبیا و اکوادور ادامه داد. او گفت که دختران اکوادوری را ترجیح می‌دهد، زیرا آنها مهربان، قابل اعتمادتر و بی‌گناه‌تر هستند. بر اساس ضبط‌های پلیس، همه دختران ناپدید شده متعلق به جامعه دختر بودند. او در سال ۱۹۸۰ دستگیر

^۱.Forensic Odontology

^۲.John Wayne Gacy (Clown Killer)

^۳.Jeffrey Dahmer

^۴.Pedro Alonso Lopez



شد و به جرم قتل ۵۷ کودک محکوم شد، اما نکته‌ای که کارشناسان بر این باورند که ۳۰۰ کودک برای لوپز کم است. آنها بر این احتمال تمرکز می‌کنند که او قاتل حداقل ۵۰ نفر باشد.

هنگامی که اطلاعات جمعیت شناختی، انگیزه‌ها، روش‌ها، سلامت روان و قربانیان ۶۴ قاتل زنجیره‌ای زن که از سال ۱۸۲۱ تا ۲۰۰۸ در آمریکا مرتکب قتل شدند، مورد بررسی قرار گرفت، مشخص شد که آنها مانند یک کارمند بهداشتی نقش مراقبتی داشتند و عموماً سفیدپوست، تحصیل کرده و متاهل و مادر بودند^۱.

انگیزه قتل‌های زنجیره‌ای که توسط زنان انجام می‌شود، بیشتر برای منافع مالی یا توجه بیش از حد است. یک استثنا می‌تواند آیلین وورنوس باشد که قربانیان مرد را برای انتقام و کنترل هدف قرار داده است. آیلین کارول وورنوس، موضوع بسیاری از فیلم‌ها، در ۲۹ فوریه ۱۹۵۶ به دنیا آمد. مشخص است که او در کودکی مورد آزار جسمی و جنسی قرار گرفته و مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. اگرچه ادعا می‌شود که او هفت نفر را کشته است، اما دو جسد نتوانسته‌اند او را پیدا کنند، او به دلیل کشتن پنج نفر به مرگ محکوم شده است. او به عنوان معروف ترین قاتل زنجیره‌ای زن در ایالات متحده پذیرفته شده است. قاتلان زنجیره‌ای زن بیشتر احتمال دارد از سم به عنوان ابزاری کشنده استفاده کنند و افرادی را که می‌شناسند، از جمله اعضای خانواده، همسران (موارد بیوه سیاه)، یا وابستگان (موارد فرشته مرگ) می‌کشند. این شامل موارد "فرشته مرگ" است که اغلب شامل پرستارانی می‌شود که افراد بیمار یا مسن را عمدتاً در بیمارستان‌ها یا خانه‌های سالمندان با خفگی یا مصرف بیش از حد دارو به قتل می‌رسانند. این گروه احتمالاً دارای بیشترین تعداد قاتل زنجیره‌ای زن است. یک نمونه تاریخی، جین تاپن «جولی» است که پرستار بود و حداقل ۳۱ بیمار بیمارستانی در ماساچوست را از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۱ کشت.

۴- روانشناسی جنایی در قتل‌های زنجیره‌ای ایران

مثلاً مجید سالک محمودی در طی ۵ سال حدود ۴۸ زن را به قتل رساند. لذا تعیین زمان برای سطح و مقدار معینی جهت ارتکاب به قتل در قتل‌های زنجیره‌ای وجود ندارد. قاتلین زنجیره‌ای، عموماً قربانیان خود را مستحق مرگ می‌دانند و در این خصوص ثبات رأی دارند. قاتلین زنجیره‌ای معمولاً

^۱.Marissa A et al. Female serial killers in the United States: Means, motives, and makings. The Journal of Forensic Psychiatry & Psychology. ۲۰۱۵; ۲۶:۳۸۳-۴۰۶



تا زمان دستگیری، اعمال جنایتکارانه خود را ادامه می‌دهند و عمدتاً زمانی شناسایی می‌شوند که قصد ادامه اعمال مجرمانه‌شان را دارند. قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای عمدتاً دختران، زنان، کودکان و نوجوانان و زنان سالمند هستند که درباره مورد اخیر می‌توان به مهین قدیری اولین زن قاتل زنجیره‌ای ایران اشاره کرد که اقدام به کشتن ۵ نفر زن سالمند در قزوین نمود. قاتلین سوژه‌های خود را متناسب با طبقه اجتماعی، اقتصادی و شخصیتی خود انتخاب می‌کنند. مثلاً اکثر قربانیان بیجه، سعید حنایی و اصغر قاتل افرادی بودند که وضعیتی مشابه آنها داشتند و با ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و شخصیتی او هم خوانی داشتند. مجید سالک محمودی نیز سوژه‌هایش را با توجه به طبقه اجتماعی و وضعیت اقتصادیشان انتخاب می‌کرد. عاملان قتل‌های زنجیره‌ای عمدتاً از اختلالات روانی رنج می‌برند. قتل‌های زنجیره‌ای، عموماً باعث ایجاد ناامنی روانی و اجتماعی، التهاب، ترس، رعب وحشت، شایعه پراکنی و ... می‌شود. قتل‌های زنجیره‌ای، به کشور، منطقه و یا محدوده جغرافیایی خاص اختصاص ندارد و در هر جایی ممکن است بروز کند. قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای، به نوعی با خطاهای رفتاریشان، زمینه قربانی شدن را فراهم می‌کنند؛ چراکه این گونه حوادث برای افرادی رخ داد که اصول رفتاری را رعایت نکرده‌اند. قاتلین زنجیره‌ای عمدتاً دارای خانواده از هم پاشیده و متلاشی بودند؛ اصغر قاتل در خانواده‌ای بزرگ شد که سابقه دزدی و قتل و بدنامی داشت. بیجه و غلامرضا خوشرو نیز از خانواده‌های آسیب دیده بودند. لازم به ذکر است بالاترین رکورد قتل‌های زنجیره‌ای متعلق به پدرو لوبوس است او ۳۰۰ تن را به قتل شماره ۳۰ رساند. جنایات این قاتل زنجیره‌ای در آمریکای لاتین رخ داد. پس از دستگیری نیز خانواده قربانیان به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای کرج در شرایطی در دست بررسی بود که به دلیل افشاء و انتشار اخبار آن در سطح رسانه‌ها و عموم، بشدت جو ملتهب و متشنجی در منطقه حاکم شده بود.

در قتل‌های کرج نیز شگرد قاتل به این صورت بود که جهت ارتکاب اعمال نامشروع، مقتولین را شناسایی کرده و به منزل خود کشانده و در همان جا ضمن تجاوز، دست به ارتکاب قتل‌ها می‌زدند است که نشان از تبحر قاتل در جلب اعتماد قربانیان خود از رهگذر برقراری تعاملات اجتماعی داشته است. قاتل در اعترافاتش در مرحله تحقیقات مقدماتی انگیزه خود را سرقت، جبران عقده‌ها و انتقام‌گیری اعلام کرده بود. در این پرونده هم همانند تیپ معمول دیگر قاتلین زنجیره‌ای در کلیه مراحل شکار، قتل و رهایی جسد به تنهایی عمل می‌کرده؛ لیکن همسرش در فروش طلاهای مسروقه با وی همکاری داشته است. اگرچه بزه‌کار با خصوصیتی که ذکر شد فردی باهوش و زیرک در قتل‌ها بوده، اما نباید از نقش بزه‌دیدگان این پرونده چشم‌پوشی کرد که خود راه را برای ارتکاب قتل توسط قاتل



فراهم می‌کردند افرادی که با داشتن مشکلات اقتصادی و خانوادگی به راحتی با قاتل ارتباط برقرار کرده و به قصد تن فروشی و دریافت پول راهی خانه قاتل می‌شدند و ناهنجاری‌های رفتاری آنان راه را برای چنین جنایاتی هموار می‌کرده است.

چنانچه فردی بین دو نیروی متضاد قرار گرفته و نتواند به یکی از دو سو متمایل شود، حالت تضاد پریشانی در او ظاهر می‌شود و این حالت را اصطلاحاً واکنش عصبی یا نوروژ می‌نامند^۱. این عارضه با گذشت زمان بر فرد استیلا می‌یابد. این پروسه دارای ویژگی‌ها و عوامل خاصی، از جمله تحمل ضربات خشونت‌های شدید در دوران طفولیت می‌باشد؛ برای مثال امید برک اعلام کرده بود که پدرش در کودکی به او گفته: «امید برک برو به درک!» و همواره مورد سرزنش خانواده خود قرار می‌گرفته و یا محمد بیجه که خودش در کودکی مورد تجاوز قرار گرفته بود و با گذشت زمان خود به ۱۹ کودک تجاوز کرده و آن‌ها را به قتل می‌رساند. رویکرد سنتی در روان‌شناسی جنایی، از قاتلین زنجیره‌ای به مثابه افرادی که از اختلال شخصیتی رنج می‌برند و تحت عنوان افراد جامعه ستیز، سایکوپات و روان پریشی که مستعد رفتارهای پرخاشگرانه هستند یاد می‌کنند.

۵- سیاست کیفری مبتنی بر روان‌شناسی جنایی در قبال قاتلان زنجیره‌ای در ایران

از آنجا که قتل سریالی مفهومی حقوقی صرف نیست، بلکه مفهوم روان‌شناختی آن برجستگی دارد، از این رو نظام‌های کیفری در قوانین کیفری خود، جرم‌انگاری مستقلی را از آن به عمل نیاورده‌اند؛ بلکه واکنش نظام کیفری در قبال قتل سریالی در قالب جرم قتل عمد است که در کشورهایی که قتل عمد درجه بندی شده است، از نوع درجه نخست و از دسته جرایم خشونت آمیز و مشدد محسوب می‌شود. در واقع در کلیه نظام‌های کیفری، مجازات قاتل سریالی در درجه اول مجازاتی است که مجرم در قبال ارتکاب یک قتل عمد مشدد می‌توانسته داشته باشد و عنوان مجرمانه ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته نشده است. در حقوق کیفری ایران نیز عنوان مجرمانه قتل سریالی در قوانین کیفری مشاهده نمی‌شود. از این رو عنوان مجرمانه قاتل سریالی وفق بند الف ماده ۲۹۰ ق.م.ا جدید قتل عمد است که حسب ماده ۳۸۱ ق.م.ا مجازات آن قصاص نفس می‌باشد. البته شاید بتوان بر مبنای منابع فقهی این استدلال را مطرح کرد که قاتل سریالی یکی از مصادیق افساد فی الارض است؛ موضوعی که طرح آن با توجه به گستردگی البته قابل انتقاد - ماده ۲۸۶ قانون جدید مجازات اسلامی

^۱. Roncagalli, M. (۲۰۱۶). *Psicopatologia Degli Omicidi Seriali*. Napoli: Edizioni Lulu.



محتمل است. هر چند که قبل از تصویب ماده فوق نیز این استدلال مطرح بود که قاتل سریالی حکم قاتل به عادت را دارد که حکم آن بر اساس منابع فقهی کشتن قاتل از باب حد است.

شایع ترین عامل روانشناختی که در قاتلان سریالی مشاهده می‌شود، اختلالات شخصیتی و جنسی است بنابراین اختلالات روانی قاتلان سریالی را باید از نوع روان رنجوری (نوروز) محسوب کرد. از آنجا که اغلب جهت فرار از دست پلیس، برنامه ریزی برای ارتکاب قتل‌ها ضروری است درک این مطلب ساده خواهد بود که چرا اغلب بزه‌کاران سریالی مثل قاتلان سریالی به طور معمول بیماری روانی شدیدی که موجب اختلال و بی‌سازمانی افکارشان شود، ندارند. در واقع اگر این مقدمه مورد پذیرش قرار گیرد که مجرم مزبور، غالباً از انواع اختلالات روانی عمدتاً از نوع اختلالات شخصیتی و جنسی رنج می‌برد و بیمار روانی محسوب می‌شوند، نحوه واکنش دستگاه عدالت کیفری نسبت به آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد؛ به نظر این واکنش از سه دسته کلی خارج نخواهد بود:

۱) قاتل سریالی، بیمار روانی است که از نظر کیفری دارای مسئولیت تام است. در این حالت، بیمار بودن، حقوق ویژه‌ای را برای آنان در پی ندارد.

۲) قاتل سریالی بیمار روانی است که از نظر کیفری، دارای مسئولیت نسبی است. در این وضعیت به دلیل بیماری روانی، مجرم از تخفیف کیفر بهره‌مند می‌شود.

۳) قاتل سریالی بیمار روانی است که از نظر کیفری، فاقد مسئولیت است. در اینجا، قاتل سریالی از کلیه حقوق یک فرد مجنون که فاقد قوه تمییز و اراده است استفاده می‌کند.

حداقل در تاریخ حقوق کیفری ایران تا کنون هیچ یک از قاتلان سریالی محاکمه شده، نتوانسته‌اند با استناد به وضعیت روانی خود از مسئولیت‌هایی یابند یا از کیفر خفیف‌تر بهره‌مند شوند؛ همین رویه تقریباً در سایر کشورها نیز جاری بوده است.

از آنجا که قاتلان سریالی اغلب از بیماری‌های روانی از نوع نوروز روان رنجوری) و به طور عمده از دسته اختلالات شخصیتی (مانند خود شیفتگی و ضد اجتماعی) و اختلالات جنسی (مانند دگر آزاری و آدم خواری) رنج می‌برند، از جمله بیماران روانی هستند که نمی‌توانند از جنون به عنوان عامل

رافع مسئولیت کیفری یا معافیت از مجازات استفاده کنند. به عبارت دیگر آنها مسئولیت تام داشته و به لحاظ روانشناختی و حقوقی مسئول اعمال خود هستند^۱.

برای نمونه در قضیه قتل‌های سریالی «مجید سالک محمودی که ۴۹ زن را پس از آزار و اذیت جنسی به قتل رسانده بود جهت بررسی وضعیت روانی وی یک گروه از متخصصان پزشکی قانونی مکلف شدند درباره سلامت روانی قاتل تحقیق کنند. آنان در نظریه خود نوشتند: «بر اساس استدلال و قضاوت مجید ارتباط او با محیط خارج و پاسخگویی‌اش به سؤالات وی مسئول اعمال خودش و قادر به اداره اعمال خود است و اختلال روانی به معنی جنون در او وجود ندارد... روزنامه اعتماد، پنجشنبه سوم مرداد ۱۳۸۷ پزشکان درباره غلامرضا خوشرو نیز نظر مشابهی را ارائه نمودند. (یک زندان ۱۳۷۶، ص ۲۰) به همین روی، حداقل در ایران هیچ یک از قاتلان سریالی محاکمه شده موفق نشده‌اند با استناد به دفاع جنون و یا وضعیت روانی خود از مجازات‌هایی یابند و بدون استثناء به حداکثر مجازات محکومیت یافته‌اند. از طرفی با توجه به این که مجازات قانونی قتل عمد قصاص نفس است از این رو بر خلاف بسیاری از کشورها امکان اعمال بند ۳۸ ق.م.ا و تخفیف مجازات به دلیل بیماری روانی مجرم (وضع خاص مرتکب) وجود ندارد^۲.

قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به درستی و هوشمندانه، تا حد زیادی تعریف قانونی جنون را به معنای علمی آن نزدیک نموده و کلیه «اختلالات روانی» که منجر به عدم اراده یا قوه تمییز مرتکب می‌شوند را جنون و مانع مسئولیت کیفری محسوب کرده است.

با توجه به این که قاتل سریالی قطعاً بیش از دو نفر را به قتل می‌رساند، در حقوق کیفری ایران وی بنا به قاعده جمع مجازات‌ها و عدم تداخل جرایم مستلزم قصاص به تعداد قربانی به قصاص نفس محکوم می‌شود همچنان که این رویه بدون استثناء در خصوص همه قاتلان سریالی محاکمه شده در

^۱. البته چنانچه بیماری مرتکب از هر منشاء و دسته‌ای که باشد به حد روان پریشی رسیده و موجب قطع ارتباط وی با واقعیات شود، صرف نظر از سایر ملاحظات قاتل فاقد مسئولیت کیفری خواهد بود؛ با این قید که به دلیل حالت خطرناک فرد و احتمال تکرار قتلها ضروری است در یک مرکز درمانی تحت مراقبت قرار گیرد. ماده ۱۵۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۴ قانون اقدامات تأمینی در این راستا مستند قانونی محسوب می‌شوند.

^۲. برای نمونه در سال ۱۳۸۹ دو قاتل سریالی به نامهای مهین قدیری و امید برک به ترتیب در شهرهای قزوین و کرج اعدام شدند. در مصاحبه حضوری که نویسنده با برک داشت وی ظاهراً عادی به نظر می‌رسید و رفتار صمیمانه‌ای داشت، اما متأسفانه هیچ گروه متخصص روان پزشکی بر روی پرونده قتل‌های وی مطالعه‌ای انجام ندادند که این از نقصان‌های جدی در مطالعات جرم‌شناختی نمونه‌های داخلی قتل‌های سریالی است.

ایران بعد از انقلاب جاری بوده است. مسأله‌ای که در نحوه مجازات قاتل سریالی شایان توجه است مربوط به فرضی می‌شود که یا اولیاء دم قربانیان شناسایی نمی‌شود یا وجود نداشته باشند و یا از قصاص قاتل در قبال اخذ دیه یا بلا عوض گذشت نمایند بی‌تردید در چنین فرضی ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات قابل اعمال خواهد بود. لکن مسأله این است که با توجه به تعزیری بودن مجازات موضوع ماده مزبور، آیا می‌توان به تعداد قربانیان مجازات حبس تعزیری را به نحو مستقل تعیین و مجموع آن را در خصوص مجرم اعمال نمود یا صرفاً یک مجازات با حداکثر حبس موضوع ماده یعنی ۱۰ سال قابلیت اجرایی دارد؟ قانون پاسخ صریحی در این ارتباط ندارد؛ لکن به نظر می‌رسد که در چنین وضعیتی نتوان بیش از یک بار حبس تعزیری را اعمال نمود؛ زیرا کیفر موضوع ماده ۶۱۲، کیفر تعزیری است که قانون‌گذار صرفاً از باب حفظ امنیت و مصلحت عمومی آن را پیش بینی کرده است بنابراین مشمول کلیه قواعد کیفر دهی مجازات‌های تعزیری از جمله قواعد تعدد جرم - خواهد بود. با توجه به صدر ماده ۴۷ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۰ در جرایم تعزیری متعدد مشابه تنها یک مجازات تعیین می‌شد که در مسئله مطروحه حداکثر ۱۰ سال حبس قابل اعمال می‌بود در هر حال چنانچه به لحاظ حقوقی قائل به امکان اعمال و اجرای تنها یک‌بار حبس باشیم با توجه به شدت قتل‌های متعدد و جریحه دار شدن احساسات عمومی و اخلال در امنیت مردم، حبس یادشده واکنش مناسب و کافی برای جرایم سریالی مجرم نخواهد بود و از این نظر با نقص و خلاء آشکار ضمانت اجرای کیفری مواجه خواهیم بود ضمن این که نظر به مشروط بودن اعمال حبس تعزیری یادشده مشروط به اخلال در نظم و امنیت جامعه این خلاء جدی‌تر خواهد بود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۳۴ تفاوتی بین جرایم مادی متعدد از نوع مشابه و غیر مشابه قائل نیست بلکه ملاک تعداد جرایم ارتكابی است در صورتی که تعداد قتل‌های ارتكابی قاتل سه فقره، باشد یک مجازات با حداکثر کیفر قانونی تعیین می‌شود و چنانچه بیش از سه فقره، باشد حداکثر مجازات قانونی به علاوه تا نصف آن تعیین می‌شود که تا حدی می‌تواند خلاء کیفر متناسب را برطرف کند.

البته با تصویب ماده ۲۸۶ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به جهت رویکرد جدیدی که قانون‌گذار درباره جرم حدی افساد فی الارض در پیش گرفته، با توجه به آثار قتل‌های سریالی در سطح جامعه، این احتمال وجود دارد که دادگاه‌ها در مواردی قاتلان سریالی را با استناد به ماده، فوق مشمول مجازات حدی اعدام بدانند. مسأله‌ی دیگری که در خصوص مجازات قاتل سریالی در حقوق کیفری ایران با توجه به حق الناس بودن جرم قتل عمد از جهت اجرای کیفر اولیه و اصلی آن یعنی قصاص - قابل تأمل است مجازات و نحوه اجرای آن با توجه به تعدد قربانیان است. در این صورت اگر

اولیاء دم همه قربانیان خواهان قصاص قاتل سریالی باشند مشکلی پیش نخواهد آمد و یک بار قصاص کفایت می‌کند.^۱ چنانچه اولیاء دم همه قربانیان دیه مطالبه کنند، بر اساس ماده ۲۵۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در قتل عمدی حکم به دیه منوط به رضایت قاتل است. چنانچه اولیاء دم برخی از قربانیان خواهان قصاص قاتل شوند و برخی دیگر دیه مطالبه کنند قانون مزبور در این مورد ساکت بود برخی با استناد به نظر برخی از فقها^۲ قائل به محکومیت قاتل به قصاص و دیه توأمان می‌باشند؛ به نحوی که دیه را از ماترک قاتل قابل وصول می‌دانند (الهام ۱۳۷۲، ص ۱۰۷). در قانون جدید مصوب ۱۳۹۲ این وضعیت در ماده ۳۸۴ پیش بینی شده است به این صورت که اولاً: در صورتی که اولیاء دم همه مقتولان خواهان قصاص باشند قاتل بدون پرداخت دیه قصاص می‌شود. ثانیاً: اگر برخی از اولیاء دم مقتول یا مقتولان خواهان قصاص و اولیاء دم مقتولان دیگر خواهان دیه باشند در صورت موافقت قاتل با آن دادگاه حکم به دیه می‌دهد. به رغم به عدم تصریح در ماده مزبور بدیهی است که در مورد اخیر حق قصاص اولیاء دم مقتول یا مقتولانی که خواهان قصاص هستند محفوظ خواهد بود؛ ماده ۳۸۳ همان قانون بر همین نظر تاکید دارد. ذکر این مطلب خالی از بهره نیست که در قضیه قتل‌های سریالی بیجه که طی آن ۲۰ نفر که ۱۷ نفر از آنان کودک بودند به قتل رسیدند قاتل به قصاص محکوم شد و پس از تصویب هیات وزیران از سوی دولت به خانواده‌های هر یک از قربانیان مبلغ ۲۲۰ میلیون ریال به عنوان غرامت پرداخت شد.^۳

با توجه به عدم پیش بینی کیفر قصاص و تعلق آن به اولیاء دم مقتولان، سیاست کیفری اکثر کشورهای دیگر در قبال قاتلان سریالی دو گونه است:

^۱ چنانچه برخی از قتل‌های عمدی قاتل سریالی پس از صدور حکم و اجرای کیفر قصاص معلوم شود، با توجه به عدم تداخل کیفر قصاص و از سویی زایل شدن حق سایرین در اجرای آن مطالبه دیه از ناحیه اولیاء دم قربانیان اخیر الذکر بی وجه نخواهد بود.

^۲ علامه حلی (جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر)، تحریر الاحکام، کتاب الجنایات، قم: موسسه آل بیت، بی تا، ص ۲۵۶

^۳ روزنامه قدس ۱۹ فروردین ۱۳۸۵ بدیهی است پرداخت وجه مزبور از ناحیه دولت دیه محسوب نمی‌شود و صرفاً کمک به خانواده‌های قربانیان و به نوعی تسکین آلام بود که جنبه استثناء داشت. شایان ذکر است که وقوع قتل‌های فوق منجر به برکناری رئیس دادگستری و دادستان پاکدشت و توبیخ و محاکمه برخی مأموران نیروی انتظامی شد و تجمع اعتراض آمیز اولیاء دم قربانیان جهت رسیدگی به قصورات مقامات مذکور در پرداخت غرامت به آنها بی تأثیر نبود.



۱. در کشورهایی که کماکان مجازات اعدام منسوخ نشده و در متن قوانین کیفری به عنوان یکی از شدیدترین کیفرها پیش بینی شده است، قاتلان سریالی به کیفر اعدام در انواع گوناگون خود (مانند اعدام با صندلی الکتریکی در برخی از ایالت‌های آمریکا) محکوم می‌گردند.

۲. در کشورهایی که مجازات اعدام را از قوانین کیفری خود حذف کرده‌اند قاتلان سریالی به تعداد قتل‌ها به تحمل حبس‌های طولانی مدت محکوم می‌شوند؛ که در مواردی قاتل مجاز به استفاده از آزادی مشروط می‌شود حسب گزارش، هیکی در اکثر ایالت‌های آمریکا برای موارد خاصی از قتل‌های سریالی هر دو مجازات اعدام و حبس در نظر گرفته می‌شود.



نتیجه گیری

تعاریف مختلفی از قتل زنجیره‌ای و قاتل زنجیره‌ای توسط نویسندگانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند وجود دارد. می‌توان فهمید که در مورد تعاریف، طبقه بندی، اپیدمیولوژی، بالینی و آسیب شناسی روانی قتل‌های زنجیره‌ای و قاتل زنجیره‌ای توافق وجود دارد. طبقه بندی، شیوع، علت قتل‌های زنجیره‌ای و رفتار مشخصه قاتلان با استفاده از رویکردهای روانپزشکی، روانشناختی، جامعه شناختی و بیولوژیکی تعریف می‌شود. تعریف کلی قتل زنجیره‌ای دو یا چند قتل در مکان‌ها و فواصل زمانی مختلف است. فاصله زمانی از ساعت تا سال متفاوت است. افسوبی‌آی قتل زنجیره‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: «سه یا چند مورد متفاوت از یکدیگر، زیرا زمان و مکان در طبقه‌بندی قتل زنجیره‌ای قرار می‌گیرد». نکته مشترک در تعاریف این است که دو یا چند قتل وجود دارد و این قتل‌ها در مکان‌ها و زمان‌های مختلف صورت می‌گیرد. در این حالت قاتل زنجیره‌ای را می‌توان افرادی تعریف کرد که یک یا چند نفر را با دلیل خاص و در فاصله زمانی معین می‌کشند.

مواردی وجود دارد که خارج از تعریف قتل زنجیره‌ای است. این موارد عبارتند از قتل‌های دسته جمعی که با آتش یا بمباران انجام می‌شود، قتل‌های مافیایی شامل بیش از یک نفر و توسط قاتلان حرفه‌ای، قتل‌هایی که به دلایل سیاسی انجام می‌شود، قتل‌هایی که به دلایل مذهبی در سال‌های اخیر انجام می‌شود، قتل عام در مدارس یا مکان‌های مشابه، همچنین تحت عنوان تأثیر الکل و مواد مخدر یا به دلیل حسادت و سایر مشکلات خانوادگی از تعریف قتل زنجیره‌ای خارج است.

افزایش قتل‌های زنجیره‌ای پس از تغییر ساختار ژئوپلیتیکی جهان آغاز شد. قتل‌های زنجیره‌ای که بیشتر در آمریکای شمالی دیده می‌شوند، پدیده‌هایی هستند که در سراسر جهان با آن مواجه هستند. داشتن تعاریف مختلف از قتل زنجیره‌ای و قاتل زنجیره‌ای، تعریف واضح را دشوار می‌کند. دشواری در تعریف، تعداد زیاد قتل‌های حل نشده، نه تنها در تعیین پرونده‌های قتل‌های زنجیره‌ای و تعداد قاتلان زنجیره‌ای در آمریکا، بلکه در سایر کشورهای جهان نیز با مشکل مواجه شد. تعداد قاتلان زنجیره‌ای به وضوح توسط FBI تا سال ۲۰۱۰ در ایالات متحده آمریکا حدود ۳۵ نفر تعیین شده است. هنگام تعیین این تعداد تقریباً ۳۶۰ تا ۵۰۰ قربانی قتل‌های زنجیره‌ای در نظر گرفته شدند. با این حال، اگر در نظر گرفته شود که حدود ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ قتل حل نشده در ایالات متحده وجود دارد، تعداد قاتلان زنجیره‌ای باید بیش از تعیین شده باشد. در مجموع ۷۵ درصد از افرادی که مرتکب قتل‌های زنجیره‌ای شده‌اند در ایالات متحده اتفاق می‌افتد.



علاوه بر این، علیرغم اینکه یک قاتل زنجیره‌ای در نژاد سفید دیده می‌شود، افزایش قاتلان زنجیره‌ای سیاه پوست برجسته است. اف‌بی‌آی مشخصات یک قاتل زنجیره‌ای را بین ۲۰ تا ۴۰ سال تعریف می‌کند، معمولاً از نوع ضعیف، عمدتاً سفیدپوست و دگرجنس‌گرا، علت اصلی فعال‌سازی انگیزه‌های قتل مشکلات جنسی است، اغلب آنها در دوران کودکی مورد تجاوز قرار می‌گیرند یا دوران کودکی بدی دارند. یکی دیگر از ویژگی‌های قاتلان زنجیره‌ای امضای قتل است. این علامت نه تنها رفتار مشخصه قاتل زنجیره‌ای را نشان می‌دهد، بلکه نقطه مشترک قتل‌ها را نیز تشکیل می‌دهد. علل اصلی این قتل‌ها، انگیزه‌های پولی، هیجانی، و انگیزه‌های جنسی - سادیستی هستند که قتل را به نمایش می‌گذارند. همچنین شواهدی از این تکانه‌ها در صحنه جرم یافت می‌شود. هلمز و دی برگر با استفاده از رفتارهای مشخصه متجاوزان قاتلان زنجیره‌ای را طبقه‌بندی کردند. این طبقه‌بندی از پنج گروه به‌عنوان رویایی، میسیونری، لذت‌گرا، (زیرگروه‌های لذت‌گرا، قاتلان شهوت‌گرا و قاتلان هیجان‌گرا)، قاتلان آسایش‌گرا، و قدرت و کنترل تشکیل شده‌اند. با توجه به روش جرم ارتكابی و رفتار قاتل زنجیره‌ای، در قتل‌های زنجیره‌ای مراحلی مانند دوره هاله، دوره فانتزی، دوره جستجو، دوران خواستگاری، دوران دستگیری، قتل، دوره توت‌م و دوره افسردگی وجود دارد.



منابع

۱. نیکوکار، حمیدرضا و بهاره همت پور، ترس از جرم، نشر میزان، چ اول، ۱۳۹۱.
۲. علامه حلی (جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر)، تحریر الاحکام، کتاب الجنایات، قم: موسسه آل بیت، بی تا.
۳. Auxéméry Y. The mass murderer history: Modern classifications, sociodemographic and psychopathological characteristics, suicidal dimensions, and media contagion of mass murders. *Comprehensive Psychiatry*. ۲۰۱۵; ۵۶: ۱۴۹-۱۵۴
۴. Buss CW. Sources: Great Lives from History: Notorious Lives. RUSQ. ۲۰۱۱; ۴۷(۱): ۸۵-۶
۵. Cormier B, Angliker C, Boyer R, et al. The psychodynamics of homicide committed in a semispecific relationship. *Canadian Journal of Criminology and Corrections*. ۱۹۷۲; ۱۴: ۳۳۵-۳۴۴.
۶. Cummins I, Foley M, King M. Serial Killers and the Media. *Palgrave Studies in Crime, Media and Culture*. London: Palgrave Macmillan Cham; ۲۰۱۹ .
۷. Dogra TD, Leenaars AA, Chadha RK, et al. A psychological profile of a serial killer: a case report. *Omega: J Death Dying*. ۲۰۱۲; ۶۵(۴): ۲۹۹-۳۱۶.
۸. eberth VJ. *Practical Homicide Investigation: Tactics, Procedures and Forensic Techniques*. ۳rd ed. Boca Raton: CRC Press; ۱۹۹۶
۹. Fuh D. Chihuahua Promises and the Notorious Economy of Fake Pets in Cameroon. *J. Afr. Cult. Stud.* ۲۰۲۱; ۳۳(۳): ۳۸۷-۴۰۳.
۱۰. García-Baamonde ME, Blázquez-Alonso M, Moreno-Manso JM, et al. Youth serial killers: psychological and criminological profiles. *Int. J. Environ. Res. Public Health*. ۲۰۲۲; ۱۹(۹): ۵۳۵۹.
۱۱. Heide K. Serial murder: A more accurate and inclusive definition. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*. ۱۹۹۵; ۳۹: ۲۹۹-۳۰۶



۱۲. Hickey E. Serial Murders and Their Victims. ۲nd ed. Belmont: Wadsworth Publishing Company; ۱۹۹۷.

۱۳. Higgsa T, Carter AJ, Tully RJ, Browne KD. Sexual murder typologies: A systematic review. Aggression and Violent Behavior. ۲۰۱۷;۳۵:۱-۱۲.

۱۴. Holmes RM, DeBurger JE. Serial Murder. Newbury Park, CA: Sage; ۱۹۸۸ .

۱۵. Keeney B, Heide K. Serial murder: A more accurate and inclusive definition. International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology. ۱۹۹۵;۳۹:۲۹۹-۳۰۶.

۱۶. Knight ZG. Sexually motivated serial killers and the psychology of aggression and “evil” within a contemporary psychoanalytical perspective. J Sex Aggress. ۲۰۰۷;۱۳(۱):۲۱-۳۵.

۱۷. Marissa A et al. Female serial killers in the United States: Means, motives, and makings. The Journal of Forensic Psychiatry & Psychology. ۲۰۱۵;۲۶:۳۸۳-۴۰۶.

۱۸. Miller L. Serial killers: II. Development, dynamics, and forensics. Aggression and Violent Behavior. ۲۰۱۴;۱۹:۱۲-۲۲ .

۱۹. Pinto S, Wilson PR. Serial murder. Trends and Issues in Crime and Criminal Justice. ۱۹۹۰;۲۵:۱-۸. DOI: ۱۰,۳۳۱۶/agispt.۱۹۹۰۲۵۷۸

۲۰. Ressler RK, Burgess AW, Douglas JE. Sexual Homicide: Patterns & Motives. Lexington, MA: Lexington Books; ۱۹۸۸. p. ۲۳۴

۲۱. Roncagalli, M. (۲۰۱۶). Psicopatologia Degli Omicidi Seriali. Napoli: Edizioni Lulu.

۲۲. The National Center for the Analysis of Violent Crime (NCAVC)



A study of Iranian serial murders in the post-Islamic Revolution period from the perspective of criminal psychology

Reyhaneh Ghayouri^۱

Article Number: JHVMN-۲۰۰۴-۱۲۸۹

Abstract

The aim of this research is to investigate the incident of serial murders with a criminal psychology approach in Iran, which will address the dimensions of this issue by relying on library and documentary sources. Since scientific criminology cannot ignore social and individual issues arising from the functioning of the penal system, criminology has tended to focus on the way the penal system works, implementing the desired individualization of social reactions against crime, and for this purpose, we resort to clinical criminology to identify the factors affecting serial murders. Since serial killers often suffer from mental illnesses such as neurosis (neurosis) and mainly from the category of personality disorders (such as narcissism and antisocial personality disorder) and sexual disorders (such as other-harassment and cannibalism), they are among the mentally ill who cannot use insanity as a factor to remove criminal responsibility or exemption from punishment. In other words, they have full responsibility and are psychologically and legally responsible for their actions. Therefore; In the history of Iranian criminal law, no serial killer who has been tried has been able to escape responsibility or receive a lighter sentence based on their mental state; the same practice has been common in almost all other countries.

Keywords: Serial murders, sociological approach, criminal psychology, clinical criminology, individualization of punishment.

^۱. Master's degree, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch, Iran. (Corresponding Author) ssshayan۱۳۹۴@gmail.com

